



قطع روابط ادامه دارد

«جس طیب اردوغان» رئیس جمهور ترکیه، روز گذشته گفت: «متأسفانه برخی افراد بی‌نام و نشان یا افراد بی‌ارزش به ما افتراهای عجیبی درباره روابط با اسرائیل می‌زنند. از شانسان بد، همچنان برخی طرف‌ها سعی دارند برنامه‌ریزی بدی انجام دهند. ما روابط تجاری‌مان را با اسرائیل قطع کرده‌ایم و در آینده نیز شیوه قطع روابطمان با اسرائیل را تا جای ممکن به‌طور کلی ادامه خواهیم داد.» رئیس جمهور ترکیه ادامه داد: «اقدامات ما برای به‌نمایش گذاشتن فجایعی که در غزه انجام می‌شود، به پایان نخواهد رسید و ما سرکوب‌گری‌های اسرائیل و نقض حقوق بشر و حقوق بین‌الملل را در هر مناسبتی نشان خواهیم داد، حتی اگر همه، جنایت‌ها در غزه و فریاد کودکان و مادران را فراموش کنند، ما فراموش نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد فراموش کنند.» اردوغان افزود: «حتماً نتایج‌ها و باند او به‌خاطر اقدامات‌شان بازخواست خواهند شد. ما به دنبال آن‌ها هستیم و آن‌ها را بدون حساب و کتاب رها نخواهیم کرد.»



اروپا، خسته از جنگ

ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان که کشورش میزبان نشست جامعه سیاسی اروپا (EPC) بود، در جریان یک نشست خبری با اشاره به لزوم برقراری آتش‌بس در جنگ اوکراین تأکید کرد: «مردم اروپا روزبه‌روز تمایل کمتری به تأمین مالی جنگ اوکراین پیدا می‌کنند زیرا دقیقاً نمی‌دانند که هدف این جنگ چیست و تا چه زمانی به طول خواهد انجامید.» اوربان با بیان اینکه برقراری آتش‌بس فوری پیش شرط آغاز مذاکرات صلح میان مسکو و کی‌یف است، اظهار کرد: «مذاکره برای دستیابی به صلح امری زمان‌بر و طولانی است که نیاز به ارتباط طرفین درگیری با یکدیگر دارد اما در یک لحظه می‌توان برای برقراری آتش‌بس تصمیم گرفت و آن را اجرا کرد و فقط با برقراری آتش‌بس است که طرفین درگیری می‌توانند با هم ارتباط برقرار کرده و برای دستیابی به صلح با هم مذاکره کنند.»



رئیس دفتر معتمد ترامپ

«دونالد ترامپ» رئیس جمهور منتخب آمریکا «سوزی وایلز» یکی از مشاوران ارشد کارزار انتخاباتی خود را به عنوان رئیس دفتر خود انتخاب کرده که طبق گزارش‌ها، یکی از مورد اعتمادترین نزدیکان او در سیاست است. نشریه پلینیکو با انتشار این مطلب نوشت: «وایلز که به‌عنوان یکی از دو مدیر کارزار انتخاباتی ۲۰۲۴ ترامپ نفوذ خارق‌العاده‌ای پیدا کرده است، اولین زنی خواهد بود که سمت ریاست دفتر رئیس جمهوری آمریکا در کاخ سفید را عهده‌دار می‌شود. بسیاری دلیل عملکرد حرفه‌ای آخرین کارزار انتخاباتی ترامپ را مدیریت «سوزی وایلز» به‌من کمک کرده به یکی از بزرگترین پیروزی‌های سیاسی در تاریخ آمریکا دست پیدا کنیم و بخش جدایی‌ناپذیر کارزارهای انتخاباتی موفق در ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ بود.» او در توصیف وایلز افزود: «سوزی سرسخت، باهوش، خلاق و در سطح جهانی مورد تحسین و احترام است. سوزی به طرز خستگی‌ناپذیری تلاش خواهد کرد تا عظمت را به آمریکا بازگرداند.» رئیس جمهور منتخب آمریکا انتخاب وایلز به این سمت را به‌عنوان اولین زنی که عهده‌دار آن می‌شود باعث افتخار دانست. وایلز به سمت ریاست دفتر رئیس جمهوری آمریکا نیازی با تأیید سنا ندارد.

این نمایش عزم آمریکا، شرکای مهم ایالات متحده مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی را گردهم آورد و راه را برای توافق آبراهام هموار کرد. هنگامی که متحدان ایالات متحده عزم مجدد آمریکا را برای مهار تهران ببینند، به واشنگتن خواهند پیوست و به برقراری صلح در منطقه‌ای که برای بازارهای انرژی و بازارهای سرمایه جهانی بسیار حیاتی است، کمک خواهند کرد. متأسفانه، در دوران دولت بایدن آمریکا نتوانسته تحریم‌های موجود علیه صادرات نفت ایران را اجرا کند و عکس این موضوع رخ داده است. در ماه‌های اخیر، صادرات نفت ایران به بالاترین حد خود در شش سال گذشته رسید که بیش از ۱/۵ میلیون بشکه در روز بوده است. کاهش اجرای تحریم‌ها برای دولت ایران و نیروهای مسلح ایران سودآور بوده و سالانه ده‌ها میلیارد دلار درآمد داشته‌اند. بازگرداندن نیروی سرکوب ترامپ توانایی ایران را برای تأمین مالی نیروهای نیابتی‌اش در خاورمیانه و فراتر از آن کاهش خواهد داد.

مشکلات بایدن در خاورمیانه زمانی شروع شد که او سعی کرد دوباره وارد توافق هسته‌ای ایران در دوران اوباما شود. ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد و آن را شکست‌خورده تشخیص داد. این توافق به دور از حذف یا حتی مسدود کردن برنامه هسته‌ای ایران، به ایران اجازه می‌داد سانتریفیوژهایی را که برای تولید اورانیوم کافی برای ساخت بمب استفاده می‌کرد، حفظ کند. بازگشت به سیاست فشار حداکثری ترامپ شامل اجرای کامل تحریم‌های ایالات متحده بر بخش انرژی ایران می‌شود که این تحریم‌ها را نه تنها در مورد ایران، بلکه برای دولتها و سازمان‌هایی که نفت و گاز ایران را خریداری می‌کنند، اعمال می‌کند. فشار حداکثری همچنین به معنای استقرار تجهیزات دریایی و هوایی بیشتر در خاورمیانه است و نه تنها برای تهران بلکه برای متحدان آمریکایی نیز روشن می‌کند که تمرکز ارتش آمریکا در منطقه بر بازدارندگی ایران است.

سیاست قوی‌تر برای مقابله با ایران همچنین منجر به رویکردی سازنده‌تر در قبال مناقشه اسرائیل و فلسطین می‌شود که بار دیگر منطقه را به هم ریخته است. برای چندین دهه، عقل متعارف معتقد بود که حل و فصل این مناقشه کلید بهبود امنیت در خاورمیانه است. اما این درگیری بیش از آنکه عاملی برای آشوب در منطقه باشد، یک منبع دارد و آن حکومت انقلابی و مذهبی ایران است. تهران کمک‌های مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و راهنمایی‌های استراتژیک را به مجموعه‌ای از گروه‌هایی که امنیت اسرائیل را تهدید می‌کنند ارائه می‌کند و تا زمانی که تندرهای فلسطینی از تلاش برای از بین بردن کشور یهود دست‌بردارند، مسئله حل نمی‌شود.

در این میان، ایالات متحده باید همچنان به حمایت از اسرائیل که به دنبال نابودی حماس در غزه است، ادامه دهد. ایالات متحده باید از اسرائیل، مصر و متحدان ایالات متحده در خلیج فارس حمایت کند، زیرا آنها با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند. اما واشنگتن نباید اسرائیل را برای بازگشت به مذاکرات بر سر راه حلی بلندمدت برای درگیری گسترده‌تر با فلسطینی‌ها تحت فشار قرار دهد. تمرکز سیاست ایالات متحده در خاورمیانه باید بر روی بازیگر بدخواه باقی بماند که در نهایت مسئول ناآرامی و کشتار است و آن بازیگر ایران است.



با طعم جکسونی

و رویکردی که در پیش خواهد گرفت

مشکلات بایدن در

خاورمیانه زمانی شروع

شد که او سعی کرد

دوباره وارد توافق

هسته‌ای ایران در

دوران اوباما شود.

ترامپ در سال ۲۰۱۸

از آن خارج شد و

آن را شکست‌خورده

تشخیص داد. این

توافق به دور از حذف

یا حتی مسدود کردن

برنامه هسته‌ای ایران،

به ایران اجازه می‌داد

سانتریفیوژهایی را که

برای تولید اورانیوم

کافی برای ساخت

بمب استفاده می‌کرد،

حفظ کند. بازگشت

به سیاست فشار

حداکثری ترامپ

شامل اجرای کامل

تحریم‌های ایالات

متحده بر بخش

انرژی ایران می‌شود

که این تحریم‌ها را

نه تنها در مورد ایران،

بلکه برای دولتها

و سازمان‌هایی که

نفت و گاز ایران را

خریداری می‌کنند،

اعمال می‌کند

می‌کنند و معتقدند رویکرد او امنیت را افزایش می‌دهد.

مانورهای نظامی مشترک با چین کشورهایی ضروری است. تایوان سالانه حدود ۱۹ میلیارد دلار برای دفاع از خود هزینه می‌کند که کمتر از سه درصد از تولید اقتصادی سالانه آن است. اگرچه این میزان هزینه کرد بهتر از اکثر متحدان و شرکای ایالات متحده است، اما هنوز خیلی کم است. کشورهای دیگر در این منطقه خطرناک نیز باید بیشتر هزینه کنند. نقض تایوان صرفاً تقصیر خودش نیست؛ دولت‌های گذشته ایالات متحده سیگنال‌های متفاوتی در مورد تمایل واشنگتن برای تأمین تسلیحات مورد نیاز تایوان و کمک به دفاع از این کشور ارسال کرده‌اند. دولت بعدی آمریکا باید روشن کند که همراه با تعهد مستمر ایالات متحده، انتظار می‌رود تایوان بیشتر برای دفاع از خود هزینه کند و گام‌های دیگری مانند افزایش مدت خدمت سربازی بردارد. در همین حال، کنگره باید با اعطای انواع کمک‌های مالی، وام‌ها و انتقال تسلیحاتی که ایالات متحده مدت‌هاست به اسرائیل پیشنهاد داده است، به ایجاد نیروهای مسلح اندونزی، فیلیپین و ویتنام کمک کند. فیلیپین به‌ویژه در مقابله با نیروهای چینی در دریای چین جنوبی به حمایت سریع نیاز دارد. نیروی دریایی هم باید یکی از ناوهای هواپیمابر خود را از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام منتقل کند و پنتاگون باید به فکر استقرار کل تفنگداران دریایی در اقیانوس آرام باشد و آن را از ماموریت‌های خاورمیانه و شمال آفریقا خلاص کند. پایگاه‌های ایالات متحده در اقیانوس آرام اغلب فاقد دفاع موشکی و حفاظت کافی از جت‌های جنگنده هستند. این نقص باید به سرعت برطرف شود.

بازگشت فشار حداکثری

منطقه دیگری که دولت بایدن در آن قدرت کمی از خود نشان داده و در نتیجه صلح کمی به ارمغان آورده است، خاورمیانه است. بایدن مصمم به طرد عربستان سعودی به دلیل نقض حقوق بشر و در عین حال از سرگیری سیاست مذاکره با ایران در دوره اوباما بود. این رویکرد موجب شد که عربستان سعودی، به عنوان یک شریک مهم و صادرکننده انرژی، از آمریکا دور شود. دولت بایدن همچنین کاری برای مهار ایران که در چهار سال گذشته به طرز آشکاری خشونت‌بارتر شده است، انجام نداد. متحدان آمریکا در خاورمیانه و فراتر از آن این اقدامات را دلیلی بر ضعف و غیرقابل اعتماد بودن آمریکا دانستند و سیاست‌های خارجی خود را مستقل‌تر از واشنگتن دنبال کردند. ایران نیز برای حمله به اسرائیل، نیروهای آمریکایی و شرکای آمریکا از طریق نیروهای نیابتی‌اش و به‌طور مستقیم احساس آزادی کرده است.

در مقابل، دولت ترامپ همسین فشار حداکثری را بر ایران انجام داد. از جمله با اصرار بر اینکه کشورهای اروپایی از تحریم‌های ایالات متحده و سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی تبعیت کنند.

زمینه‌های حیاتی مانند وسایل نقلیه الکتریکی، انرژی خورشیدی، هوش مصنوعی و محاسبات کوانتومی، به دنبال گسترش قدرت و امنیت خود است. برای انجام این کار، پکن به پارت‌های عظیم، سرعت مالکیت معنوی، و شیوه‌های تجاری ناعادالانه متکی است.

به‌عنوان مثال، در صنعت خودرو، پکن از قهرمانان ملی مانند BYD حمایت کرده است که با پارت‌های سرازیر شده و با هدف ورشکستگی خودروسازان سنول، میلیون‌ها خودروی الکتریکی ارزان قیمت را به بازارهای ایالات متحده و کشورهای هم‌پیمان‌ش عرضه کرده است. برای حفظ برتری رقابتی خود در برابر این هجوم، ایالات متحده باید بهترین مکان جهان برای سرمایه‌گذاری، نوآوری و تجارت باقی بماند اما قدرت فزاینده نظارتی ایالات متحده، از جمله اجرای بیش از حد تهاجمی قوانین ضدانحصار، تهدیدی برای نابودی سیستم تجاری آزاد آمریکایی است. حتی در شرایطی که شرکت‌های چینی از حمایت ناعادالانه پکن برای از کار انداختن شرکت‌های آمریکایی برخوردار می‌شوند، دولت‌های ایالات متحده و متحدان اروپایی آن رقابت برای شرکت‌های آمریکایی سخت‌تر می‌کنند. این رویه به انحطاط ملی می‌انجامد. دولت‌های غربی باید این مقررات غیرضروری را کنار بگذارند.

از آنجایی که چین به دنبال تضعیف قدرت اقتصادی و نظامی آمریکا است، واشنگتن باید این هجوم را جبران کند؛ درست همانطور که در دوران جنگ سرد برای تضعیف شوروی انجام داد. جانت پلن، وزیر خزانه‌داری آمریکا گفته است که «جدایی کامل اقتصادی از چین نه عملی است و نه مطلوب» و ایالات متحده «این ایده را که باید اقتصاد خود را از چین جدا کنیم، رد می‌کند». اما در واقع واشنگتن باید به دنبال جدا کردن اقتصاد خود از چین باشد. ترامپ بدون اینکه این سیاست را به این شکل توصیف کند، با اعمال تعرفه‌های بالاتر بر نیمی از کالاهای صادراتی چین به آمریکا، سیاست جداسازی را آغاز کرد و این گزینه را در برابر پکن قرار داد که در صورت تغییر رفتار، وضعیت به حال عادی باز خواهد گشت. اکنون زمان آن فرا رسیده است که با اعمال تعرفه ۶۰ درصدی بر کالاهای چینی، همانطور که ترامپ از آن حمایت کرده، و اعمال کنترل‌های سخت‌تر صادراتی بر روی هر فناوری که ممکن است برای چین مفید باشد، فشار وارد آوریم.

البته واشنگتن باید خطوط ارتباطی خود با پکن را حفظ کند، اما ایالات متحده باید دیپلماسی اقیانوس آرام خود را بر متحدانی مانند استرالیا، ژاپن، فیلیپین و کره جنوبی، شرکای سنتی مانند سنگاپور و شرکای نوظهور مانند اندونزی و ویتنام متمرکز کند. منتقدان می‌گویند که درخواست ترامپ از متحدان آمریکا در آسیا برای کمک بیشتر به دفاع از خود ممکن است آنها را نگران کند. برعکس: گفت‌وگوهای من با مقامات منطقه نشان داده است که آنها از صحبت‌های آشکار ترامپ در مورد نیاز به روابط دوطرفه استقبال